

نقش علم و تخصص در حکمرانی خوب از منظر قرآن

حامد مهرآبادی، جواد قاصد نظامیان

چکیده:

امروز حکمرانی خوب برای استحکام حکومت‌ها و دولت‌ها یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که هر نوع حکومتی به روش‌های گوناگون در پی دستیابی به آن است. اسلام و قرآن نیز در این زمینه ضمن اهمیت قائل شدن برای حکمرانی خوب روش و دستورات بسیار مفید و کارآمدی دارد که از مقوله‌های متفاوتی تأثیر می‌پذیرد. یکی از این مقوله‌ها علم و تخصص است که در این تحقیق «نقش علم و تخصص در حکمرانی خوب از منظر قرآن» را مورد بررسی قرار دادیم و برای این منظور به پیامبرانی در قرآن پرداختیم که علاوه بر علم و تخصص صاحب حکومت بوده و توانسته بودند از علم و تخصص خود در اداره حکومت خود استفاده نمایند. در بررسی اهداف، شاخص‌های برتر و الزامات و آسیب‌شناسی بکارگیری علم و تخصص در حکمرانی خوب به نتایج مهم و عمده‌ای دست یافتیم. اول اینکه لازمه حکمرانی خوب استفاده از تخصص‌های برتر با شاخص‌هایی مانند (کیفیت، دقت، کاربری مناسب و دارای تناسب، سرعت عمل، رعایت زمان‌بندی دقیق و تفکیک دقیق اقدامات و محکم‌کاری و ضمانت اجرا) است. دوم اینکه اهداف بکارگیری علم و تخصص در حکمرانی خوب انجام عمل صالح و شکر عملی و خدمت به بندگان خدا است و سوم آنکه مهمترین الزام حکمرانی خوب با استفاده از علم و تخصص وجود یک حکومت صالح است. نوع تحقیق توسعه‌ای - کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. کلمات کلیدی: علم و تخصص، حکمرانی خوب، قرآن، داود، سلیمان، یوسف، ذوالقرنین

مقدمه:

بعد از تغییر و تحولات بسیاری که در سیر تحول اندیشه توسعه به وجود آمد، نظریه حکمرانی خوب یعنی چگونگی اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و نیز نوع رابطه دولت و ملت به عنوان بنیان توسعه از سوی اندیشمندان علوم اجتماعی و برخی نهادهای مالی بین‌المللی طرح شد. این نهادها همگی بر ضرورت اجرای این نظریه در گستره حیات اجتماعی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه تأکید ورزیدند و در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام دادند که دستاورد آنها بر نشر و اجرای آن برای شکل‌دهی به نظام سیاسی مطلوب و کارآمد تأکید دارد. مطابق تعریف بانک جهانی، کشورهای عضو این سازمان باید سازوکارها و خط مشی‌های خود را در ارتباط دولت با شهروندان به گونه‌ای پی‌ریزی و اجرا کنند که ضمن تحقق کارآمدی پایدار، رضایت هر دو طرف به دست آید. اساسا در حکمرانی

خوب، بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، تعامل و همکاری جدی برقرار است. این تعامل موجب می‌گردد تا زمینه‌های الزام به منظور دستیابی به حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم شود (کشاوری، شجاعی، ۱۳۹۵: ۳۰).

اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی خوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود اما اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی خوب مشخص و تعیین نمایند. از این جهت بکارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزشهای بومی آنها که منعکس کننده واقعیت‌های روز است امری مهم و ضروری است. لذا در کشورهای اسلامی که مبنای حکمرانی و حکومت داری خود را باید از دین و معارف آن دریافت نمایند حکمرانی خوب شاخصها و اصول خاص خود را خواهد داشت. این مهم در کشور جمهوری اسلامی ایران که دارای حکومت اسلامی و دینی است از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و باید اهتمام جدی و متقنی درمورد آن صورت گیرد. یکی از راههای اعمال حکمرانی خوب با هر اصول و ویژگی و در هر نقطه جهان استفاده از علم و تخصص است که فصل مشترک همه انواع حکمرانی را شکل میدهد و رهبران و دولتمردان جهان ناگزیر از بکار بردن آن در حکمرانی خود هستند که در این زمینه کمتر تحقیقی صورت گرفته است و بیشتر تحقیقات به سمت نظریه پردازی در مورد حکمرانی پیش رفته است.

بیان مسأله

امروزه حکومتها و دولتهای متکی به مردم و مشارکت آنان در تلاش هستند تا بتوانند در بین مردم خود مقبولیت هر چه بیشتری پیدا کنند. یکی از راه‌های این مهم در اصطلاح امروزی حکمرانی خوب و شایسته است که با ابزارها و روشهای مختلفی صورت میگیرد. یکی از ابزارهای اعمال حکمرانی شایسته و مطلوب استفاده از علم و تخصص است که رهبران امروز جهان از هر دین و آیینی برای آن جایگاه بلندی قائل هستند.

اسلام نیز که کامل‌ترین و برترین دین الهی است تأکیدات زیادی برای کسب علم و تخصص نموده است. چنانچه پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسده أكثر مما یصلح، هر کس که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از اینکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند» (حکیمی و همکاران، ج ۴، ۱۳۸۰، ۴۸۷). و نیز امام صادق علیه السلام میفرماید: «كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ». «هر صنعتگر برای کسب و کار خود از سه چیز ناگزیر است: تخصص در کار، امانت، جلب توجه مراجعه‌کنندگان» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۱۵).

یکی از جایگاه‌هایی که لزوم علم و تخصص بیش از جای دیگر مورد تأکید بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است جایگاه حاکمان و رهبران جامعه است چرا که سعادت و سرنوشت مردم بواسطه آنان تحت تأثیر قرار میگیرد از این رو خداوند در قرآن در مورد پیامبران الهی به عنوان حاکمان الهی نکات بسیار ارزنده و کاربردی برای اداره جامعه و در نتیجه هدایت و سعادت بندگان متذکر شده است که لازم است این نکات و دستورات برای اعمال حکمرانی خوب و تشکیل حکومتی مطلوب استخراج شده و مد نظر رهبران و دولتمردان بخصوص در کشورهای اسلامی قرار گیرد. بدیهی است غفلت از معارف دینی و قرآنی در مورد نحوه حکومت‌داری و حکمرانی خوب جامعه را از رسیدن به اهداف مقدس و سعادت واقعی خود دور نموده و در صورت تداوم آن شیوه‌های غیر دینی و غیر الهی به تدریج جایگزین آن خواهد شد.

در این تحقیق به دنبال آن هستیم که نقش علم و تخصص در حکمرانی خوب را مورد بررسی قرار دهیم و به این منظور در بین معارف عظیم قرآنی و نکات بسیار زیاد و ارزنده آن مبحث خود را در این زمینه به پیامبرانی اختصاص دادیم که صاحب حکومت و مصداق بارز حکمرانی خوب بودند و نقش علم و تخصص را در نحوه حکمرانی آنان بررسی نمودیم.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

نقش علم و تخصص در حکمرانی مطلوب از منظر قرآن چیست؟

سوالات فرعی

هدف از کاربرد علم و تخصص در حکمرانی خوب چیست؟

شاخصهای علوم و تخصص‌های برتر در حکمرانی خوب کدام است؟

الزامات بکارگیری علم و تخصص در حکمرانی خوب کدام است؟

آسیب‌های بکارگیری علم و تخصص در حکمرانی کدام است؟

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق از نوع کاربردی- توسعه ای است. تحقیق کاربردی تحقیقی است که به دنبال دستیابی به راه حل مسائل و مشکلات موجود می‌پردازد. در این نوع تحقیق محقق درصدد است با استفاده از معیارها و روش‌های علمی به راه حل‌هایی دست یابد (بشارتی، حشمتی، ۱۳۹۳: ۸۰)

تحقیق توسعه‌ای، هرگونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از پژوهش‌ها و تجارب است که به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها و سایر ابزار و فرایندها و روش‌های جدید و یا بهبود آنها صورت می‌گیرد (طیبی، ملکی، دلگشایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

مبانی نظری

حکمرانی

واژه «حکمرانی» از واژه لاتین «governance» اقتباس شده و به معنای حکومت، فرمانروایی و رهبری است. از نظر بانک جهانی، حکمرانی عبارت است از: فرایند و نهادهایی که از طریق آنها تصمیمات اخذ و اختیارات در یک کشور اعمال می‌شود (اکبری، فیله کش، تقوی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح. از نظر صندوق بین المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگه داری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که هادی فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی باشد. از نظر کافمن، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار از طریق نهادهای و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه.

با توجه به تعاریف مزبور، حکمرانی دارای مراحل ذیل است: ۱. فرایند انتخاب و جایگزینی دولت‌ها؛ ۲. ظرفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی؛ و ۳. احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادهای حاکم است (حسینی تاش، واثق، ۱۳۹۳: ۱۰).

حکمرانی، که بیانگر رابطه دولت و شهروندان است به مجموعه‌ای از رویکردهای عمومی و خصوصی اطلاق میشود که همین رابطه را در راستای کارآمدی دولت و رضایت مردم، تثبیت میکند (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۱)

حکمرانی خوب

اندیشه‌وران بسیاری، حکمرانی خوب را یا بر اساس ویژگی‌ها و یا فرآیند تعریف کرده‌اند که هر کدام جهت خاصی را برای ارائه تعریف در پیش گرفته‌اند. اگرچه هر کدام از پژوهشگران از دیدگاه خاصی که بر منظومه نگرشی آنها مبتنی است به حکمرانی خوب نگریسته‌اند، در تعبیری عمومی می‌توان عنوان کرد که حکمرانی خوب با رویکردی هنجاری و ارزشمدارانه به رابطه دولت و مردم می‌پردازد و فرایندی را شامل می‌شود که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شود. از این رو با بررسی دیگر تعاریف، می‌توان گفت که در حکمرانی خوب با عرضه خدمات عمومی کارآمد، نظام قابل اعتماد و پاسخگو و همین‌طور مشارکت سیاسی فعال مردم محقق می‌شود. (کشاورز شکری، شجاعی، ۱۳۹۵: ۳۲).

از طرفی برای حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده است که روح حاکم بر همه آن‌ها تفاوت چندانی با هم ندارد. به عبارت دیگر هر کدام از تعاریفی که از این مفهوم بیان شده بود، با ابعاد خاصی از آن مورد توجه خود قرار داده و بر مبنای آن به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. درواقع حکمرانی خوب را می‌توان بر اساس ویژگی‌های آن و یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. به عبارت دیگر، در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌شود (مانند تعریف بانک جهانی) درحالی‌که در روش دوم حکمرانی خوب بر اساس فرآیند اعمال حاکمیت تعریف می‌شود (مانند تعریف «ماری رابینسون»، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد)

جدول ۱: تعاریف حکمرانی خوب

نهاد / فرد	تعاریف
بانک جهانی 1992	مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه‌بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها)، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت (اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد)

ODA 1993	مشروعیت دولت (به معنی وجود فرایندهای مشارکتی و رضایتمندی افراد)، پاسخگویی، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون
فریدمن ۱۹۹۸	حسابداری عمومی، پاسخگویی، مدیریت مسالمت‌آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، مشمولیت (عدالت)
بانک جهانی 2000	مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و ثمربخشی هزینه
UNDP 2000	مشارکت، عدالت، شفافیت، حسابداری، حکومت قانون، پاسخگویی، اجماع‌گرایی، ثمربخشی و کارایی، چشم‌انداز استراتژیک
UNCHS 2000	عدم تمرکز اقتدار و منابع (اختیار تصمیم‌گیری)، عدالت حضور در تصمیم‌گیری، شفافیت، حسابداری، التزام مدنی و شهروندی، کارایی، چشم‌انداز، استراتژیک توسعه پایدار، امنیت
بانک جهانی 2006	جامعیت و پاسخگویی تحقق یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و تعویض حاکمان (اظهار نظر و پاسخگویی، پایداری و فقدان خشونت)، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چارچوب نظم دهنده: کارآمدی حکومت)، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنشگران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست (کنترل فساد، برابری حقوقی)
برنامه عمران سازمان ملل	حکمرانی خوب عبارت است از : «قاعدمندی، شفافیت ... پاسخگویی... کارآمدی و انصاف ... ترویج برابری حقوقی ... تضمین اینکه اولویتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، براساس اجماع جمعی است و اظهار نظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد.»
صندوق بین‌المللی پول	تضمین برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد
کافمن	در شش جنبه می‌توان آن را سنجید (اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم و آدم‌کشی، کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل‌های قانونی، برابری حقوقی و کنترل فساد)
هایدن و همکاران	در پنج جنبه (مشارکت، انصاف، شایستگی، کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت) می‌توان حکمرانی خوب را در شش حوزه (جامعه مدنی، جامعه سیاسی، حکومت، بروکراسی، جامعه اقتصادی، قوه قضائیه) سنجید
دیکست ۲۰۰۹	حکمرانی خوب برای تضمین سه پیش‌نیاز اساسی بازار اقتصادی (حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای کنش جمعی) لازم است ... اقتصاد حکمرانی خوب، از همه فرایندهای اسمتی حمایت می‌کند که بر اساس آن، افراد در امور مختلف متخصص می‌شوند و با یکدیگر به منظور دستیابی به نهایت توان اقتصادی جامعه مبادله می‌کنند
گریندل ۲۰۱۰	حکمرانی خوب در اکثر موارد بیانگر فهرستی از خصوصیات پسندیده است که حکومت باید داشته باشد. حکمرانی خوب، بیانگر نگرانی‌های هنجاری درباره اموری است که دولت باید انجام دهد، مانند کاهش فقر، حفظ ثبات سیاسی یا عرضه خدمات پایه‌ای .

پنج تعریف اول را گریندل ۲۰۰۷ استخراج کرده است. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۱۹)

حکمرانی خوب از نگاه دین

حکمرانی خوب از نگاه دین که به حکمرانی شایسته نیز یاد می‌شود عبارت است از: فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی.

حکمرانی خوب از نگاه دین از بعد هستی‌شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشئت گرفته از او می‌داند. از بعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه معرفت‌های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعدی مادی و معنوی می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قایل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قایل می‌شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد. به عبارت دیگر، در

حکمرانی خوب از نگاه دین هر چند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی خوب از نگاه دین مبتنی بر جهان بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می نماید؛ یعنی حکم رانان باید دستورات را از مبدأ هستی بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند (حسینی تاش، واثق، ۱۳۹۳: ۱۵).

علم و تخصص پیامبران در قرآن

در قرآن به اصول صنایع که لازمه آن علم و تخصص آن صنعت می باشد اشاره شده است، مانند آیه «وَوَ طَفِقًا يَخْصِفَانِ» (اعراف: ۲۲) که به خیاطی اشاره می کند، و «أَتُونِي زَبَرَ الْحَدِيدِ» (کهف: ۹۶) که اشاره ای است به صنعت آهنگری (و ذوب آهن) و در آیتی مانند آیه «وَوَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ» (بقره: ۱۲۷) به صنعت ساختمان سازی اشاره می نماید و آیه «وَوَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» (هود: ۳۷) به نجاری و کشتی سازی و آیه «كَأَلَّتِي نَقَضْتُ غَزْلَهَا» (نحل: ۹۲) به صنعت ریسندگی و بافندگی و نساجی، و آیه «أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ» (کهف: ۷۹) به دریانوردی و ماهیگیری و آیه «فَأَوْقَدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ» (قصص: ۳۸) به صنعت سفالگری اشاره می نمایند (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۶۱۲).

برخی از این تخصص ها و علوم در اختیار پیامبران الهی بوده است که در کنار امرار معاش خود به وظیفه اصلی خود که حکمرانی و تبلیغ دین خدا و هدایت بندگان او بوده پردازند. از طرفی در روایات نیز به مسجد سهله که جایگاه حجره حضرت ادریس علیه السلام بوده است و در آن خیاطی می کرد (ابن بابویه، ج ۱، ۱۳۶۷: ۳۵۰) و چوبانی حضرت موسی علیه السلام (ابن بابویه، ج ۱، ۱۳۸۰: ۵۱) و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) (طبرسی، ج ۲، ۱۳۸۱: ۴۴۶) اشاره شده است.

در این مقاله به علم و تخصص های پیامبرانی چون ذوالقرنین، داود، سلیمان و یوسف (علیهم السلام) که در مسیر حکمرانی خوب از آن بهره برده اند می پردازیم:

حضرت داود و تخصص های او

خداوند طبق آیات قرآن عنایات ویژه ای به حضرت داود داشته و او را صاحب فنون و معجزات گوناگونی نموده است که ما در این مقاله صرفاً علم و تخصص های ایشان اشاره می کنیم:

۱) ما ساختن زره را به او تعلیم دادیم «وَوَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ» (انبیاء: ۸۰)

«لبوس» در اینجا به معنی زره می باشد که جنبه حفاظت در جنگها داشته است. (مکارم شیرازی، ج ۱۳، ۱۳۷۱: ۴۷۱). خدا صفحه های آهن را در دست داود مثل خمیر نرم کرده بود «أَلَّنَّا لَهُ الْحَدِيدَ» (سبا: ۱۰). آهن را فتیله می کرد و بصورت حلقه در می آورد و بهم می بافت. در نتیجه هم سبک بود و هم استحکام داشت. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ۱۵۰). ممکن است گفته شود خداوند به صورت اعجازمانندی روش نرم کردن آهن را به داود تعلیم داد، آن چنان که بتواند از آن مفتول های نازک و محکمی برای بافتن زره بسازد، و یا گفته شود که قبل از داود برای دفاع در جنگها از صفحات آهن استفاده می شد که هم سنگین بود و هم اگر آن را به خود می بستند چنان خشک و انعطاف ناپذیر بود که جنگجویان را سخت ناراحت می کرد، هیچکس تا آن روز نتوانسته بود از مفتولهای باریک و محکم آهن چیزی همچون زره ببافد که همچون لباس به راحتی در تن برود و با حرکات بدن نرم و روان باشد. ولی ظاهر آیه این است که، نرم شدن آهن در دست داود به فرمان الهی و به صورت اعجاز انجام می گرفت، چه مانعی دارد همان کسی که به کوره داغ خاصیت نرم کردن آهن را داده، همین خاصیت را به شکل دیگر در پنجه های داود قرار دهد؟ در بعضی از روایات اسلامی نیز به همین معنی اشاره شده است (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۲: ۳۰). از طرفی صنعت زره بافی جزء علوم عملی و هنری است و قابل انتقال به غیر می باشد، لذا قرآن در این باره به کلمه «تعلیم» تعبیر نمود ولی نرم نمودن آهن در دست، چون موم، هرگز جزء علوم نظری یا عملی نخواهد بود؛ زیرا به کرامت روح ولی خدا و نزاهت نفس رسول حق وابسته است، لذا قرآن در این باره تعبیر به «تعلیم» نکرده بلکه به کلمه «النا له» بسنده نمود تا روشن شود که لین و نرم شدن آهن در دست داود با قدرت غیبی میسور میشود، البته آهن را از دیر زمان با آتش نرم میکردند لیکن آن، جزء علوم عملی است و امر عادی می باشد نه خارق عادت (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۴۶).

۲) علم قضاوت «فَأَحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) و داوری صحیح و عادلانه «وَوَ فَصَّلَ الْخِطَابِ» (ص: ۲۰) تعبیر از داوری به «فصل الخطاب» به خاطر آن است که «خطاب» همان گفتگوهای طرفین نزاع است، و «فصل» به معنی قطع و جدایی است و گفتگوهای صاحبان نزاع هنگامی قطع خواهد شد که داوری صحیحی بین آنها بشود، لذا این تعبیر به معنی قضاوت عادلانه آمده است. این احتمال در تفسیر

این جمله نیز وجود دارد که خداوند منطق نیرومندی که از فکر بلند، و عمق اندیشه، حکایت می‌کرد در اختیار داود گذارد، نه تنها در مقام داوری که در همه جا سخن آخر و آخرین سخن را بیان می‌کرد (مکارم شیرازی، ج ۱۹، ۱۳۷۱: ۲۴۰).

۳) فهمیدن سخن پرندگان «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ» (نمل: ۱۶). این تخصص بین حضرت داود و سلیمان مشترک می‌باشد که نکاتی را پیرامون آن در خصوص تخصص‌های حضرت سلیمان بیان خواهیم کرد.

حضرت سلیمان و تخصص‌های او

حضرت سلیمان نیز طبق آیات الهی دارای تخصص‌های ویژه بود که در آیه زیر به سه تخصص ایشان (تسخیر باد، صنعت مسگری و تسخیر اجنه) اشاره شده است:

«وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرٌ وَ رَوَّاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ، وَ لِىَ سُلَيْمَانَ بَادَ رَا (رام و مسخر کردیم) که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و برای او چشمه‌ی مس (گداخته) را روان ساختیم و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند» (سبا: ۱۲)

«غدو» به معنای حرکت در طرف صبح و «رواح»، حرکت از ظهر به بعد است و مراد از کلمه «عین» ظرفی است که در آن مسّ ذوب می‌شود. (قرائتی، ج ۷، ۱۳۸۸: ۴۲۶)

علاوه بر این تخصص‌ها حضرت سلیمان از علم و حکمت و قضاوت نیز مانند پدرش داود برخوردار بود: «وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا، ما به هر یک از این دو، آگاهی و شایستگی داوری و علم بخشیدیم» (انبیا: ۷۹) که قدرت فهم حضرت سلیمان در مواردی بهتر بود: «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ، ما این داوری و حکومت را به سلیمان تفهیم کردیم» (انبیا: ۷۹)

تخصص دیگر حضرت سلیمان قدرت درک سخن پرندگان بود که به حضرت داود نیز داده شده بود «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ»، به ما سخن گفتن پرندگان تعلیم داده شده است (نمل: ۱۶).

تخصص سخن گفتن با پرندگان یکی از مواردی است که شاید در نگاه اول به معجزه بیشتر شبیه باشد ولی امروز مقالات زیادی در زمینه درک زبان پرندگان تدوین شده که انسان توانسته از نوع صوت و حرکات پرندگان متوجه خواسته و منظور آنان گردد و چه بسا در آینده درک زبان پرندگان ممکن گردد (<http://iqna.ir/fa/news/1394/10/16>).

حضرت یوسف و تخصص‌های او

حضرت یوسف نیز طبق آیات الهی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که مهمترین آنها علم تأویل احادیث است که در تفاسیر به علم تعبیر خواب مشهور شده است: «وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ، تا تعبیر خواب را بیاموزد» (یوسف: ۲۱)

«تأویل» در این آیه آن پیشامدی را گویند که بعد از دیدن خواب پیش آید و خواب را تعبیر کند، و آن حادثه‌ای است که حقیقت آن در عالم خواب برای صاحب رؤیا مجسم شده در شکل و صورتی مناسب با مدارک و مشاعر وی خودنمایی می‌کند و مراد از تأویل احادیث تأویل رؤیاها است، و لیکن از ظاهر داستان یوسف در این سوره برمی‌آید که مقصود از احادیثی که خداوند تأویل آن را به یوسف (ع) تعلیم داده بود اعم از احادیث رؤیا است، و بلکه مقصود از آن مطلق احادیث یعنی مطلق حوادث و وقایعی است که به تصور انسان درمی‌آید، چه آن تصوراتی که در خواب دارد و چه آنهایی که در بیداری آری، بین حوادث و ریشه‌های آنها که از آن ریشه‌ها منشأ می‌گیرند و همچنین غایباتی که حوادث به آن غایات و نتیجه‌ها منتهی می‌شوند اتصالی است که نمی‌توان آن را انکار کرد و یا نادیده گرفت، و با همین اتصال است که بعضی با بعضی دیگر مرتبط می‌شود. بنا بر این، ممکن است بنده‌ای به اذن خدا به این روابط راه پیدا کرده باشد، بطوری که از هر حادثه‌ای حوادث بعدی و نتیجه‌ای را که بدان منتهی می‌شود بخواند (طباطبایی، ج ۱۱، ۱۳۷۴: ۱۰۸-۱۰۷).

تخصص دیگر یوسف مدیریت عالمانه امور مالی مصر بود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ، مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرار ده چرا که من هم حافظ و نگهدار خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم» (یوسف: ۵۵).

ذوالقرنین و تخصص‌های او

خداوند در مورد ذوالقرنین می‌فرماید: «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (کهف: ۸۴). آیه کاملاً مطلق است و مفهوم وسیعی دارد و نشان می‌دهد که خداوند اسباب وصول به هر چیزی را در اختیار ذوالقرنین گذارده بود: عقل و درایت کافی، مدیریت صحیح، قدرت و قوت، لشکر و نیروی انسانی و امکانات مادی خلاصه آنچه از وسائل معنوی و مادی برای پیشرفت و رسیدن به هدفها لازم بود در اختیار او نهادیم (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۲۶).

در ادامه داستان، قرآن یکی از تخصص‌های ذوالقرنین که ساختن سد و دانستن ترکیب آلیاژها برای استحکام سد بود مورد اشاره قرار میدهد چنانچه هنگامی که به قومی می‌رسد آنها تقاضای کمک از او و ساختن سدی محکم در برابر یاجوج و ماجوج را نموده که نشان دهنده آن بود که آن جمعیت از نظر امکانات اقتصادی وضع خوبی داشتند، اما از نظر صنعت و فکر و نقشه ناتوان بودند، لذا حاضر شدند هزینه این سد مهم را بر عهده گیرند مشروط بر اینکه ذو القرنین بواسطه علم و تخصصش طرح و ساختمان آن را پذیرا گردد. (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۳۴).

ذوالقرنین با استفاده از تمامی امکاناتی که خداوند در اختیار او قرار داده بود اقدام به ساختن سدی عظیم نفوذ ناپذیری کرد که بر اثر ارتفاع و استحکام قابل نقب و سوراخ نمودن نبود زیرا آن سد مهم از خاک، آجر، سنگ، سیمان و مانند آنها نبود بلکه سد عظیم فلزی بود که از پاره های آهن و مس داخته ساخته شده بود: «أَتُونِي زَبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا، قطعات بزرگ آهن برآیم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)!» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در آن بدمید!» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برآیم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (کهف: ۹۶)

تخصص نوعی لطف و فضل الهی در جهت حکمرانی خوب

تخصص‌های انسان نوعی فضل و توفیقی از جانب خداوند محسوب می‌گردد. چنانچه خداوند در مورد همه موهبت‌هایی که به حضرت داود عنایت کرده می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا، ما به داود از فضل خود نعمتی بزرگ بخشیدیم» (سبأ: ۱۰) و نیز در جای دیگر حضرت داود و سلیمان به وضوح به این نکته اشاره می‌کنند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ، ما به او و فرزندش علم وافر دادیم، و آنها گفتند خدا را سپاس که ما را بر بسیاری از بندگانش فضل و برتری بخشیده است» (نمل - ۱۵). در جایی دیگر مخصوصاً روی آگاهی از سخن گفتن حیوانات تکیه شده و به عنوان یک فضیلت بزرگ مطرح گردیده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، ای مردم سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از همه چیز به ما بهره داده، این فضیلت آشکاری است» (از سوی پروردگار)» (نمل - ۱۶).

حضرت یوسف نیز اقرار می‌دارد که علم تعبیر خوابش از طرف خداوند است: «ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي، این علم و دانش و آگاهی من از تعبیر خواب از اموری است که پروردگارم به من آموخته است» (یوسف: ۳۷).

ذوالقرنین نیز در برابر پیشنهاد پرداخت هزینه ساخت سد گفت: «آنچه را خدا در اختیار من گذارده (از آنچه شما می‌خواهید بگذارید) بهتر است» و نیازی به کمک مالی شما ندارم، قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ» (کهف: ۹۵). چرا که از دیدگاه اولیای الهی، همه‌ی امکانات از خداست (قرآنی، ج ۵، ۱۳۸۸: ۲۲۶). و در انتهای کار با اینکه کار بسیار مهمی انجام داده بود، و طبق روش مستکبران می‌بایست به آن مباهات کند و بر خود ببالد، و یا منتهی بر سر آن گروه بگذارد، اما چون مرد خدا بود، با نهایت ادب چنین اظهار داشت که: «این از رحمت پروردگار من است، قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَبِّي» (کهف: ۹۸) اگر علم و آگاهی دارم و به وسیله آن می‌توانم چنین گام مهمی بردارم از ناحیه خدا است، و اگر قدرت و نفوذ سخن دارم آن هم از ناحیه او است. و اگر چنین مصالحی در اختیار من قرار گرفت آن هم از برکت رحمت واسعه پروردگار است، من چیزی از خود ندارم که بر خویشتن ببالم و کار مهمی نکرده‌ام که بر گردن بندگان خدا منت گذارم (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۳۶).

بنابراین طبق سیره پیامبران الهی که داعیه حکومت الهی داشتند و بهترین افراد برای حکمرانی بودند اینگونه بر می‌آید که راه حکمرانی خوب با بکار بردن علم و تخصص وقتی بهترین اثر را خواهد داشت که حاکم و رهبر حکومت هنر و علم خود را متصل به حاکم و صاحب اصلی آن یعنی خداوند بداند چرا که برکات زیادی در آن نهفته که کمترین آن نصرت از جانب پروردگار و دوری از آسیب‌های بکارگیری علم و تخصص است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

هدف از کاربرد علم و تخصص در مسیر حکمرانی خوب

هدف خداوند از در اختیار گذاشتن علوم و تخصص‌های متفاوت و مقتضی هر زمان به پیامبران خود صرف پرداختن به امور مادی نبوده و هدف بسیار بالاتری را دنبال میکند که همان هدایت و سعادت بندگان الهی در سایه حکومت دینی است و این علوم و تخصص‌ها وسیله ای برای حاکم محسوب می‌گردد که بتواند مسیر را برای هدایت بندگان خدا هر چه بهتر فراهم نماید و در حقیقت در مسیر حکمرانی خوب و الهی بکار گیرد که در ادامه به اهداف این علوم و تخصص‌های در حکمرانی خوب می‌پردازیم:

۱) علم و تخصص در جهت عمل صالح

خداوند نسبت به مواهبی که به حضرت داود داشته است او و خاندانش و یا هر کس دیگری که از آن مواهب و ثمره تخصص استفاده می کنند را مأمور به انجام عمل صالح می نماید: «أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (و به او گفتیم: زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم!) (سبأ: ۱۱) چرا که همه این مسائل مقدمه برای عمل صالح است، هدف ساختن زره و کسب در آمد نیست، هدف عمل صالح است، و اینها وسیله ای است در آن مسیر که هم داود از آن بهره می گرفت و هم خاندانش. و یکی از شئون عمل صالح آن است که در صنایع دقت کافی را از هر جهت رعایت کنند و محصول کامل و مفیدی ارائه دهند و از هر گونه بدکاری و کم کاری بپرهیزند. این احتمال نیز وجود دارد که مخاطب در این خطاب، داود و تمام کسانی که از دسترنج و دستباف او استفاده می کردند بوده باشد، اشاره به اینکه این وسیله دفاعی را در راه عمل صالح به کار گیرند، نه در طریق ظلم و جور و گناه (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۳۳).

۲) تخصص در خدمت دین خدا و بندگان او

یکی از مصادیق عمل صالح این است که تخصص در راستای خدمت به دین خدا و بندگان او بکارگیری شود. پیامبر اسلام فرمودند: «خلق خدا عیال خدایند، و محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که به عیال خدا سود دهد و برای خاندانی سرور و شادی فراهم آورد» (کلینی، ج ۴، ۱۳۷۵: ۴۸۵).

و نیز امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً يَخْصِمُهُم بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، خَدَايَ رَا بِنْدَگَانِي اِسْتِ كِه نِعْمَتِ هَايِ خُود رَا بِه اَنَانِ مِي دِهْد، بِرَايِ سُوْد رِسَانْدَن بِه دِيْگَر بِنْدَگَانِ» (حکیمی و همکاران، ج ۴، ۱۳۸۰: ۵۵۷). پس اگر کسی از نعمت تخصص در کاری بهرمنده شده است باید در خدمت به بندگان الهی دریغ نرزد از این رو علم و تخصصی که در اختیار حاکمان الهی قرار گرفته هدفی جز خدمت به بندگان خداوند و هدایت و سعادت آنان ندارد که یکی از مهمترین اهداف حکمرانی خوب محسوب می گردد و قرآن در داستان پیامبرانی که صاحب علم و تخصص بودند به این مهم اشاره کرده است.

حضرت داود از توانایی نرم کردن آهن در بهترین طریق یعنی ساختن وسیله جهاد، آن هم وسیله حفاظت بندگان خدا در برابر دشمن، استفاده می کرد، و هرگز از آن در وسائل عادی زندگی بهره گیری ننمود، و تازه از در آمد آن - طبق بعضی از روایات - علاوه بر اینکه زندگی ساده خود را اداره می کرد چیزی هم به نیازمندان انفاق می نمود (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۳۱).

حضرت سلیمان در توانایی به تسخیر گرفتن اجنه از آنها برای ساختن بناها و وسایلی استفاده می کرد که در خدمت دین خدا و بندگان او باشد: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ، سَلِيْمَانِ هَر چِه مِي خُوَاسْتِ از مَعْبِدِهَا، وَ تَمَثَالِهَا، وَ ظَرْفِهَايِ بَزْرَگِ غِذَا كِه هَمْچُون حُوضِ هَايِ بَزْرَگِ بُوْد، وَ دِيْگِهَايِ عَظِيْمِ ثَابِتِ بِرَايِ او تَهِيَه مِي كَرْدَنْد» (سبأ: ۱۳)، بخشی از این مصنوعات مربوط به مسائل معنوی و عبادی بود، و بخشی با نیازهای جسمانی انسان ها، و جمعیت عظیم لشکریان و کارگزارانش تناسب داشت. «محارِب» جمع «محراب» در لغت به معنی عبادتگاه یا قصرها و ساختمانهای بزرگی است که به منظور معبد ساخته می شود. معابد بزرگ و باشکوهی که درخور حکومت الهی و مذهبی او بود برای او ترتیب می دادند، تا مردم بتوانند به راحتی به وظائف عبادی خود قیام کنند.

«جِفَان» جمع «جفنه» (بر وزن وزنه) به معنی ظرفهای غذاخوری است. و «جَوَاب» جمع «جابیه» به معنی حوض آب است، و از این تعبیر استفاده می شود که ظرفهای بسیار عظیم غذاخوری که هر کدام همچون حوضی بود برای سلیمان تهیه می دیدند تا گروه کثیری بتوانند اطراف آن بنشینند و از آن غذا بخورند. «قُدُور» جمع «قدر» (بر وزن قشر) به معنی ظرفی است که غذا در آن طبخ می شود و «راسیات» جمع «راسیه» به معنی پا بر جا و ثابت است و در اینجا منظور دیگهایی است که از عظمت آن را از جا تکان نمی دادند (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۳۸-۳۹).

در جریان تعبیر خواب حاکم مصر، یوسف بی آنکه هیچ قید و شرطی قائل شود و یا پاداشی بخواهد فوراً خواب را به عالیتترین صورتی تعبیر کرد، تعبیری گویا و خالی از هر گونه پرده پوشی، و توأم با راهنمایی و برنامه ریزی برای آینده تاریکی که در پیش داشتند چرا که مخاطب اصلی قحطی، مردم مصر بودند (مکارم شیرازی، ج ۹، ۱۳۷۱: ۴۲۶).

موقعی که قرار شد حضرت یوسف مسئولیت خزانه داری مصر را بپذیرد از تخصص خود برای رونق اقتصادی و حل مشکلات مردم استفاده نمود. یوسف می دانست یک ریشه مهم نابسامانی های آن جامعه مملو از ظلم و ستم در مسائل اقتصادی آن جامعه نهفته است، اکنون که حاکم مصر به سراغ او آمده است، چه بهتر که نبض اقتصاد کشور مصر را در دست گیرد و به یاری مستضعفان بشتابد، از تبعیض ها تا

آنجا که قدرت دارد بکاهد، حق مظلومان را از ظالمان بگیرد، و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد. مخصوصاً مسائل کشاورزی را که در آن کشور در درجه اول اهمیت بود، زیر نظر بگیرد و با توجه به اینکه سالهای فراوانی و سپس سالهای خشکی در پیش است، مردم را به کشاورزی و تولید بیشتر دعوت کند، و در مصرف فرآورده‌های کشاورزی تا سر حد جیره‌بندی، صرفه‌جویی کند، و آنها را برای سالهای قحطی ذخیره نماید، لذا راهی بهتر از این ندید که سرپرستی خزانه‌های مصر را پیشنهاد کند (مکارم شیرازی، ج ۱۰، ۱۳۷۱: ۵).

یک حکومت فراگیر با وجود حاکم صاحب علم و تخصص در مسیر حکمرانی خوب نمی‌تواند نسبت به تفاوت و تنوع زندگی مردم و شرایط مختلف آنها بی‌اعتنا باشد، به همین دلیل ذوالقرنین که صاحب یک حکومت الهی بود به هنگام برخورد با اقوام گوناگون که هر کدام زندگی مخصوص به خود داشتند متناسب با آن رفتار کرد، و همه را زیر بال پر خود گرفت. ذو القرنین حتی جمعیتی را که به گفته قرآن سخنی نمی‌فهمیدند «لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» (کهف: ۹۳)، از نظر دور نداشت، و با هر وسیله ممکن بود به درد دل آنها گوش فرا داد و نیازشان را بر طرف ساخت، و میان آنها و دشمنان سرسختشان سد محکمی ساخت و با اینکه به نظر نمی‌رسد یک چنین جمعیت عقب افتاده‌ای هیچگونه نفعی برای حکومت داشته باشند، بدون هر گونه چشم داشت به اصلاح کارشان پرداخت. (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۳۸)

۳) شکر عملی در برابر استفاده از تخصص

در مورد اعطای تخصص‌های زیادی که خداوند به حضرت داود و سلیمان داده است آنان و خاندان آنان را به شکر گزاری امر می‌کند: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»، ای آل داود شکرگزاری کنید اما عده کمی از بندگان من شکر گزارند» (سبأ: ۱۳). بدیهی است اگر منظور از شکرگزاری تنها شکر با زبان باشد مسأله مشکلی نیست تا عاملان به آن قلیل بوده باشند، بلکه منظور «شکر در عمل» است، یعنی استفاده از مواهب در مسیر همان اهدافی که بخاطر آن آفریده و اعطا شده‌اند، و مسلم است کسانی که مواهب الهی را عموماً در جای خود به کار گیرند اندکی بیش نیستند (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۴۱). حضرت سلیمان در برابر الطاف و مواهب خداوند از او توفیق شکرگزاری و انجام عمل می‌خواهد. «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ، پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم» (نمل: ۴۰).

علوم و تخصص‌های برتر لازمه حکمرانی خوب

هر چه تخصص بهتر و از درجه بالاتری برخوردار باشد تأثیر بیشتر و بهتری را در مسیر اهداف و نتیجه عمل به جای خواهد گذاشت. خداوند با قرار دادن تخصص‌های مختلف در اختیار پیامبران الهی مسیر اداره حکومت دینی و رشد مردم و سعادت آنان را در قالب حکمرانی خوب رقم می‌زند بنابراین کامل‌ترین و عالی‌ترین مرتبه آن تخصص را به نمایش گذاشته است که در ادامه به شاخص‌های تخصص برتر اشاره می‌کنیم:

۱) کیفیت، دقت، کاربری مناسب و دارای تناسب

تخصص و تخصصی برتر است که همراه با کیفیت، دقت، کاربری مناسب و دارای تناسب باشد. خداوند شاخصهای تخصص برتر را که برای حضرت داود به عنوان سازنده زره بیان مینماید: «أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرَدِ، زره‌های کامل و فراخ بساز و بافت آن را درست اندازه‌گیری کن» (سبأ: ۱۱).

«سَابِغَاتٍ» جمع سابغ، به معنای زره کامل و فراخ است. کلمه‌ی «سرد» به معنای بافتن است. «وَ قَدَّرَ فِي السَّرَدِ» یعنی در بافتن زره متناسب و به اندازه، دقت کن (قرائتی، ج ۷، ۱۳۸۸: ۴۲۵). در واقع خداوند به داود دستوری می‌دهد که باید سرمشقی برای همه صنعتگران و کارگران با ایمان جهان باشد، دستور محکم کاری و رعایت دقت در کیفیت و کمیت در مصنوعات، آن چنان که مصرف کنندگان به خوبی و راحتی بتوانند از آن استفاده کنند، و از استحکام کامل برخوردار باشد. و نیز به داود می‌گوید: زره را گشاد و راحت درست کن، تا جنگجو به هنگام پوشیدن در زندان گرفتار نشود، نه حلقه‌ها را بیش از اندازه کوچک و باریک کن که حالت انعطاف خود را از دست بدهد، و نه زیاد درشت و بی‌قواره که گاه نوک شمشیر و خنجر و نیزه و تیر از آن بگذرد، همه چیزش باندازه و متناسب باشد (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۳۲).

و امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» و اما نعمتهای پروردگارت را بازگو کن» (ضحی: ۱۱) فرمودند: «فحدّث بما أعطاك الله و فضلک و رزقک و أحسن إليك و هداک، یعنی از آنچه خدا به تو بخشیده و برتریت داده و روزی تو کرده است، همچنین از احسان خداوند و هدایت الهی که از آن برخوردارت ساخته است، سخن بگویی و یاد کن و سپاسگزار باش» (حکیمی و همکاران، ج ۵، ۱۳۸۰: ۴۰) و نیز پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ، خداوند هنگامی که نعمتی به بنده‌ای می‌بخشد دوست دارد آثار نعمت را بر او ببیند» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

به همین واسطه حضرت داود و سلیمان نیز مهارت‌های خود و امکاناتی که خداوند در اختیار آنان قرار داده بود را برای مردم بیان نمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنَطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، ای مردم سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از همه چیز به ما بهره داده، این فضیلت آشکاری است» (از سوی پروردگار) (نمل - ۱۶).

حضرت یوسف نیز در نزد حاکم مصر قابلیت و مهارت خود را بیان نمود تا در پست تخصصی خود مشغول کار شود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ، مرا بر خزانه‌های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهبانی دانا هستم» (یوسف: ۵۵). بنابراین حاکمان و رهبران جامعه که مسئولیت اداره و هدایت مردم را برعهده دارند باید در برابر مردم از نوع تخصص و علم و هنر خود، آنان را آگاه نموده و زمینه فعالیت خود را برای آنان تشریح نمایند که در این صورت اقبال و پذیرش حاکمان و رهبران جامعه از طرف مردم بیشتر شده و قدم بزرگی برای حکمرانی خوب بشمار می‌رود.

۲) ایجاد زمینه‌های کسب علم و تخصص

همانطور که اشاره شد مهارت یکی از الطاف الهی در حق بندگان است بنابراین برای کسب این توفیق باید زمینه‌های مادی و معنوی آن نیز فراهم گردد چنانچه در مورد حضرت داود که خداوند آهن را برایش نرم نمود «أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ، و ما آهن را برای او نرم کردیم» (سبأ: ۱۰) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أَنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ: نِعْمَ الْعَبْدُ أَنْتَ لَوْ لَا أَنْكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَ لَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا، قَالَ: فَبَكَى دَاوُدُ عَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لَنْ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَأَلَانَ اللَّهُ تَعَالَى الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْمَلُ فِي كُلِّ يَوْمٍ دِرْعًا ... فَاسْتَغْنَى عَنْ بَيْتِ الْمَالِ، خدا بداد وحی نمود تو خوب بنده‌ای هستی مگر آنکه تو از بیت‌المال می‌خوری، پس داود چهل روز گریه کرد، پس خدا آهن را برای او چون موم نرم ساخت و هر روز یک زره می‌ساخت ... و از بیت‌المال بی‌نیاز شد» (طبرسی، ج ۸، ۱۳۷۲: ۵۹۷). بنابراین خداوند، به بندگان برگزیده‌ی خود، عطایای ویژه‌ای می‌دهد و کسی که دل خود را برای خدا نرم کند، خداوند هم آهن را برای او نرم می‌کند (قرائتی، ج ۷، ۱۳۸۸: ۴۲۵). با این روایت شاید امروزه این نتیجه حاصل شود که در صورت تکمیل ظرفیت تخصص‌های لازم در شغل‌های دولتی، رهبران و دولتمردان حکومت زمینه‌ای را فراهم آورند تا جوانان به جای روی آوردن به استخدام در شغل‌های دولتی با فراگیری یک مهارت و تخصص و بکارگیری آن در شغل‌های غیر دولتی و عرضه آن می‌توانند منشأ خیر و منفعت هم برای خود و کشورشان باشند.

یکی دیگر از زمینه‌های کسب علم و تخصص و مشمول لطف الهی شدن، توجه همیشگی به خداوند و عدم غفلت از اوست که خداوند در مورد حضرت داود و سلیمان تعبیر «اواب» را بکار می‌برد: «إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ایات ۱۷ و ۳۰ سوره صاد). «اواب» از ماده «اوب» (بر وزن قول) به معنی بازگشت اختیاری به سوی چیزی است، و از آنجا که «اواب» صیغه مبالغه می‌باشد اشاره به این است که آنان بسیار به سوی پروردگارشان بازگشت می‌کردند، و از کوچکترین غفلت و ترک اولی توبه می‌نمودند (مکارم شیرازی، ج ۱۹، ۱۳۷۱: ۲۳۸).

از طرفی بسیاری از مواهب علمی را خداوند در مقابل پرهیز از گناه و مقاومت در برابر هوس‌های سرکش می‌بخشد و به تعبیر دیگر این مواهب که ثمره روشن‌بینی‌های قلبی است جایزه‌ای می‌باشد که خداوند به اینگونه اشخاص می‌بخشد. مانند حضرت یوسف که با گذشتن از گردنه‌های صعب العبور آزمایش‌های الهی، در دربار عزیز مصر شایستگی علم تعبیر خواب را پیدا کرد (مکارم شیرازی، ج ۹، ۱۳۷۱: ۶۳۲). «وَأَوْدَتْهُ آلَتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتْ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ، و آن زن که یوسف در خانه او بود از او تمنای کامجویی کرد و درها را بست و گفت بشتاب بسوی آنچه برای تو مهیاست! (یوسف) گفت پناه می‌برم بخدا، او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است، مقام مرا گرامی داشته (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟) مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند» (یوسف: ۲۳).

۳) فراهم نمودن زمینه بروز علم و تخصص (تشکیل حکومت)

دلیل اینکه قرآن از بین همه پیامبران بیش از همه و مفصل‌تر توانایی‌ها و تخصص‌های حضرت داود و سلیمان و یوسف و ذوالقرنین را برشماری می‌کند این است که زمینه لازم برای بروز این توانایی‌ها و تخصص‌ها و بهره‌بردن مردم از آنها بیشتر فراهم بوده است چرا که

آنان بر اثر آمادگی محیط فکری و اجتماعی مردم زمان خود توفیق یافتند دست به تأسیس حکومت عظیمی بزنند، و آئین الهی را با استفاده از نیروی حکومت، گسترش دهند، لذا از لحن سرگذشت پیامبران دیگر که با مخالفت شدید قوم خود روبرو می‌شدند و گاه آنها را از شهر و دیارشان بیرون می‌کردند، در اینجا خبری نیست، و تعبیرات به کلی با آنها فرق دارد. این به خوبی نشان می‌دهد که اگر دعوت کنندگان الهی توفیقی برای تشکیل حکومت بیابند تا چه اندازه مشکلات حل می‌شود، و راه آنها صاف و هموار می‌گردد. (مکارم شیرازی، ج ۱۵، ۱۳۷۱: ۴۱۶-۴۱۵). چنانچه اشاره شد یکی از تخصص‌های حضرت داود علم قضاوت بود و بهترین شرایط و زمینه‌ها برای به صحنه آوردن این تخصص، در اختیار گرفتن حکومت بود که خداوند نیز آن را به حضرت داود عنایت فرمودند و از او قضاوت در بین مردم را خواستار شد: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ، اَي دَاوُد! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن» (ص: ۲۶).

بنابراین اصلی‌ترین زمینه بروز علم و تخصص‌های افراد مختلف وجود یک مدیریت و حکومت قوی و قابل اعتماد است. نکته جالب و مهمی که قرآن به آن اشاره نموده است این است که در شرایطی که در یک حکومت صالح حاکم قوی و جامع شرایطی وجود داشته باشد حتی بدترین افراد هم در بروز تخصص‌های خود ملتزم به صفات نیکویی که آن نظام مقید به رعایت آن است می‌شوند. همانطور که در جریان حاضر کردن تخت بلقیس در داستان حضرت سلیمان آمده است: «قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ، عفریتی از جن رو به سوی سلیمان کرد و گفت من تخت او را پیش از آنکه مجلس تو پایان گیرد و از جای برخیزی نزد تو می‌آورم. من این کار را با زحمت انجام نمی‌دهم و در این امانت گرانقیمت نیز خیانتی نمی‌کنم، چرا که من نسبت به آن توانا و امینم» (نمل: ۳۹).

«عفریت» به معنی فرد گردنکش و خبیث است، و جمله «إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» که از جهات مختلفی توأم با تأکید است (ان- جمله اسمیه- لام) نیز نشان می‌دهد که بیم خیانت در این عفریت می‌رفته، لذا در مقام دفاع از خود برآمده و قول امانت و وفاداری داده است. چرا که هیچ کار بزرگ و کوچکی در جامعه بدون دارا بودن این دو شرط انجام پذیر نیست، که گاه مبانی فکری و اخلاقی انسان ایجاب می‌کند که دارای این صفت باشد گاه نظام جامعه و حکومت صالح ایجاب می‌کند که حتی عفریت جن به این دو صفت الزاماً متصف شود، خواه این اوصاف از تقوا سرچشمه گیرد، و خواه از نظام قانونی جامعه (مکارم شیرازی، ج ۱۵، ۱۳۷۱: ۴۷۳). همانطور که اشاره شد در مورد ذوالقرنین نیز آمده است: «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، ما به او در روی زمین قدرت و حکومت دادیم، و اسباب هر چیزی را در اختیارش نهادیم» (کهف: ۸۴) که این حکومت زمینه بسیاری از اقدامات او را در زمین فراهم نمود.

به هر حال در داستان پیامبران اگر سخن از بکارگیری علم، قدرت، توانایی، پیش بینی دقیق و عظمت است، اگر سخن از تسلیم و اطاعت دیگران حتی جن و شیاطین است و بالاخره سخن از مبارزه شدید با بت پرستی از طریق دعوت منطقی و در نهایت حکمرانی خوب است همه در سایه حکومت الهی و بهره‌گیری از قدرت حکومت است.

برای تکمیل این بحث با وجود کلمه «مکنا» که معنی قدرت و حکومت می‌دهد و از طرفی اهمیت مضاعف این زمینه حکمرانی خوب، می‌توان به آیه ۵۵ سوره نور اشاره نمود که درباره حکومت صالحان چنین آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» در این آیه بعد از آنکه خداوند به مؤمنان صالح العمل وعده خلافت و حکومت می‌دهد، آن را با چند جمله تعقیب می‌کند که در واقع به منزله اهداف این حکومت است، نخست تمکین و قدرت بخشیدن به دین الهی و حاکمیت آن بر پهنه اجتماع، و دیگر از میان برداشتن نا امنی‌ها و تبدیل آن به امنیت اجتماعی کامل و دیگر عبادت خالی از هر گونه شرک. و در واقع هدف نهایی همان تکامل انسان و سیر الله است که استقرار امنیت و حاکمیت قوانین الهی مقدمه وصول به آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ج ۱۰، ۱۳۸۶: ۲۲).

۳) شناسایی افراد متخصص تر صالح

یکی دیگر از الزامات استفاده از علم و تخصص در حکمرانی خوب شناسایی تخصص‌های عالی‌تر در بین متخصصین عالی و نکته مهمتر صالح و متعهد بودن صاحب تخصص است. قرآن یکی از روشهای شناسایی متخصص صالح را تدارک میدان رقابت بین متخصصین بیان نموده است تا صاحبان تخصص و مهارت به عرضه تخصص و مهارت‌های خود بپردازند و بهترین و صالحترین آنان گزینش گردد چنانچه در مورد حاضر نمودن تخت بلقیس حضرت سلیمان دست به این اقدام زد: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ،

(سلیمان) گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او (بلقیس، ملکه ی سبا) را- قبل از آن که آنان به حال تسلیم نزد من آیند- برای من می آورد؟» (نمل: ۳۸) و سرانجام میدان به کسی واگذار شد که از سرعت عمل بیشتر و صلاحیت بالاتری (دارای علم کتاب) برخوردار بود: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت، من آن را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد (نمل: ۴۰). بدیهی است که هر کس کار مهمی در جامعه انجام دهد و مورد قبول واقع شود خط فکری و اعتقادی خود را در لابلای آن تبلیغ کرده است، و نباید در حکومت الهی سلیمان، ابتکار عمل به دست عفریت ها بیفتد، بلکه باید آنها که علمی از کتاب الهی دارند بر افکار و عواطف مردم حاکم گردند (مکارم شیرازی، ج ۱۵، ۱۳۷۱: ۴۲۷).

۴) تدارک ابزارهای اعمال تخصص

خداوند برای اعمال تخصص ها، وجود ابزارهای آن را نیز ضروری دانسته و آنها را در اختیار پیامبرانش قرار داده است. مثلاً در داستان حضرت سلیمان برای مدیریت ماهرانه یک حکومت وسیع و کشور پهناور سه ابزار را بیان نموده است که عبارتند از: نخست یک وسیله نقلیه سریع و مستمر و فراگیر است که رئیس حکومت بتواند با آن از تمام جوانب کشورش آگاه گردد که در آن زمان خداوند باد را مسخر ایشان نمود. دوم مواد اولیه ای که برای تهیه ابزار لازم برای زندگی مردم و صنایع مختلف، مورد استفاده قرار گیرد که از صنعت مسگری استفاده نمود. و سر انجام نیروی فعال کار که بتواند از آن مواد بهره گیری کافی کند، و کیفیت لازم را به آنها بدهد، و نیازهای مختلف کشور را از این نظر بر طرف سازد که خداوند همه موجودات و به خصوص جن را در خدمت ایشان درآورد (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۳۷-۳۸). این موضوع اختصاص به عصر سلیمان و حکومت او ندارد و توجه به آن امروز و فردا و اینجا و همه جا برای اداره صحیح کشورها ضرورت دارد.

در داستان حضرت یوسف نیز بالاترین ابزار بروز علم و تخصص ایشان پشتیبانی کامل، اعتماد و ویژه ای بود که از طرف حاکم مصر به ایشان داده شد: «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتِنِي بِهِ اسْتَخْلَصْتُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا وی را (مشاور) مخصوص خود قرار دهم. پس چون با او گفتگو نمود، به او گفت: همانا تو امروز نزد ما دارای منزلتی بزرگ و فردی امین هستی» (یوسف: ۵۴).

در داستان ذوالقرنین و حل مشکلات مردم در زمینه ساختن سد محکم، همیاری مردم لازم بود چرا که امکانات مردمی را در راه مصالح آنان باید به کار گرفت و نیز برای رسیدن به هدف، علاوه بر طرح و تقاضا و بودجه، همت و مشارکت مردمی نیز لازم است (قرائتی، ج ۵، ۱۳۸۸: ۲۲۶): «فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا، مَآءٌ يَرَى يَآئِي كُنَيْدٍ، تَأْتِيهِمْ مِنْ تَحْتِ الْوَادِئِ وَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ» (کنم) (کهف: ۹۵).

علت دیگر مشارکت مردم به عنوان ابزار لازم اعمال تخصص این است که صاحبان اصلی درد، باید در انجام کار خود شریک باشند که «آه صاحب درد را باشد اثر»، لذا ذوالقرنین به گروهی که از هجوم اقوام وحشی شکایت داشتند نخست دستور داد قطعات آهن بیاورند، بعد از آن دستور آتش افروختن در اطراف سد آهنین برای جوش خوردن، و بعد از آن دستور تهیه مس مذاب برای پوشاندن آهن با لایه ای از مس داد، اصولاً کاری که با شرکت صاحبان اصلی درد پیش میروید هم به بروز استعداد های آنها کمک می کند و هم نتیجه حاصل شده را ارج می نهند و در حفظ آن می کوشند چرا که در ساختن آن تحمل رنج فراوان کرده اند. ضمناً بخوبی روشن می شود که حتی یک ملت عقب افتاده هنگامی که از طرح و مدیریت صحیح برخوردار شود می تواند دست به چنان کار مهم و محیر- العقولی بزند (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۴۰).

۵) استفاده از همه تخصص ها به صورت کنترل شده

گاهی تخصص های فوق العاده ای در افراد جامعه وجود دارد که بکارگیری آنها نیز لازم و ضروری است ولی صلاحیت صاحبان آن با تردید روبرو است و یا به طور یقین صلاحیت لازم را ندارند در این صورت نباید به طور کلی آنان را کنار گذاشت بلکه باید در کنار استفاده از ظرفیت آنان کنترل بیشتری اعمال کرده و حتی در صورت بروز تخلف، آنان را تنبیه هم نمود. در قرآن وقتی سلیمان مأمور می شود از توانایی ها و مهارت های اجنه که به گفته قرآن، جن موجودی مکلف، عاقل، انتخابگر، قدرتمند و تلاشگر است ولی بیم سرکشی و طغیان آنها نیز وجود دارد استفاده نماید محدودیت ها و ابزار کنترلی ویژه ای اعمال می کند که عبارتند از:

۱) صدور اجازه از طرف خداوند

بکارگیری اجنه باید از یک مقام بالاتر صورت می گرفت: «وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (سبأ: ۱۲)

۲) محدود سازی فعالیت

در آیات ۱۳ سوره سبأ و ۳۷ سوره صاد تمام کارهایی که باید توسط اجنه انجام گردد به صورت دقیق قید شده است تا هم از عهده آن برآیند و نیز در صورت فعالیت خارج از محدوده برای همگان آشکار گردد و مستحق مجازات شوند: « آنها برای او هر چه می‌خواست از قصرهای محکم (یا عبادتگاه‌ها و محراب‌های عبادت) و مجسمه‌ها و کاسه‌هایی همانند حوض‌های بزرگ و دیگ‌های ثابت غیر منقول می‌ساختند» و « و نیز شیطان‌ها (ی اجنه) را از هر بنا و غواصی (برای احداث بنا و استخراج جواهر از دریا مسخر او کردیم)» (۳) تنبیه متخلفان

اگر کسی از اجنه تخلف می‌کرد باید توسط مقام بالاتری مجازات و تنبیه گردد: « مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ، و هر یک از آنها که از فرمان ما سر می‌تافت از آتش شعله‌ور به او می‌چشانیدیم» (سبأ: ۱۲)

(۴) در بند کشیدن مفسدان

اگر از اجنه در صدد فساد بر می‌آمدند باید در بند کشیده می‌شدند: «وَأَخْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، و نیز شیاطین دیگر را (برای آنکه در کشورش فساد نکنند) با هم در غل و زنجیر (رام او کردیم)» (ص: ۳۸)

در مورد ذوالقرنین نیز ابزار کنترلی فوق را می‌توان مورد بررسی قرار داد او از آنجایی که در برخورد با قومی که از ایشان در مورد عذاب یا پاداش آنها سوال می‌گردد و از عذاب قوم سخن می‌گوید بعد این جمله را اضافه میکند: «ثُمَّ يَرُدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا، سپس، به سوی پروردگارشان باز می‌گردند و خدا آنها را مجازات شدیدی خواهد نمود. (کهف: ۸۷) که نشان دهنده هماهنگی با خداوند و اذن از جانب اوست و مورد جزای نیک افراد خوب می‌گوید: «و ما فرمان آسانی به او خواهیم داد، وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (کهف: ۸۸). هم با گفتار نیک با او برخورد خواهیم کرد، و هم تکالیف سخت و سنگین بر دوش او نخواهیم گذارد (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۲۸)

تنبیه و در بند کشیدن مفسدان و خطاکاران اصول و ابزار کنترلی مهمی است که ذوالقرنین نیز از آن بخوبی استفاده کرد و گفت: «آنها را که ظلم و ستم کرده‌اند مجازات خواهیم کرد، و آنها را که ایمان و عمل صالح دارند به نحوی شایسته و نیکویی پاداش خواهیم داد، قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ..... وَ أَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ» (کهف: ۸۸-۸۷).

حضرت علی (علیه السلام) در فرمان معروفش به مالک اشتر که یک دستور العمل جامع کشورداری است می‌فرماید: «و لا یكون المحسن و المسیء عندک بمنزلة سواء، فان فی ذلک تزهیدا لاهل الاحسان فی الاحسان، و تدریبا لاهل الاسائة علی الاسائة، هیچگاه نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند، زیرا این امر سبب می‌شود که نیکوکاران به کار خود بی رغبت شوند و بدکاران جسور و بی‌پروا» (دشتی، ۱۳۸۲: ۴۰۶)

بنابراین هیچ حکومتی نمی‌تواند بدون تشویق خادمان و مجازات و کیفر خطاکاران به پیروزی و کسب اهداف خود برسد (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۳۸). و هیچ حکومتی بدون داشتن حکمرانانی عالم و دارای تخصص نخواهد توانست اینگونه به حسن تدبیر دست یابد و سعادت مردم خود را رقم بزند چرا که رهبران لایق، به کمک علم، هنر، سوز و تعاون، از ساده‌ترین افراد و ابزار، بهترین کارها را تولید می‌کنند، بنابراین اگر مدیر لایق باشد، کارگران ساده مهم‌ترین پروژه‌ها را انجام دهند (مکارم شیرازی، ج ۵، ۱۳۷۱: ۲۲۶)

آسیب شناسی علم و تخصص در حکمرانی

همواره در برابر برتری‌ها و نعمت‌های بی‌شمار الهی بخصوص توانایی‌های فوق العاده‌ای که همه از آن برخوردار نیستند آسیب‌هایی هم وجود می‌آید. برای استفاده از علم و تخصص در حکمرانی خوب باید با آسیب‌های درست استفاده نکردن و انحراف علم و تخصص نیز آشنا شد و در صدد کنترل و برطرف کردن آن بود. برخی از این آسیب‌ها که در قرآن روی آن تأکید گردیده است عبارتند از:

۱) خود بینی و غرور

این آسیب در قرآن به صورت فراگیر در مورد بسیاری از صاحبان مکتب، قدرت و تخصص چه در جبهه حق و چه جبهه باطل مورد مذمت قرار گرفته است. در جبهه باطل امثال فرعون و قارون و در جبهه حق امثال بلعم باعورا دچار تکبر و غرور شده و به مقابله با صاحب همه قدرت‌ها و مهارت‌ها پرداختند و عاقبت خود را سیاه نمودند.

فرعون به عنوان یک حاکم و صاحب حکومت، دارای قدرت و امکانات زیادی بود تا جایی که به قومش گفت: « وَ نَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِی قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِّصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ، فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟» (زخرف: ۵۱) و تکبر و غرورش تا به آنجایی پیش رفت که در برابر دعوت حضرت موسی ادامه داد: « أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ، مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم؟» (زخرف: ۵۲) و سرانجام ادعای خداوند برتر نمود:

«فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى، و گفت: من پروردگار برتر شما هستم!» (نازعات: ۲۴) و موسی در برابرش فرمود: «وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُم مِّنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ، موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد!» (۲۷ غافر:)

قارون از بستگان نزدیک موسی (پسر عمو یا پسر خاله او) بود، و از نظر اطلاعات و آگاهی از تورات معلومات قابل ملاحظه‌ای داشت و نخست در صف مؤمنان بود، که یا به همین علت یا بواسطه هر نوع تخصص و هنری که داشت صاحب اموال فراوانی شده بود ولی همه هنر و تخصصش را متعلق به خود دانست: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي، (قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام» (قصص: ۷۸) و همین هم باعث نابودیش شد. و این غرور و ثروت او را به مبارزه با پیامبر خدا وادار نمود و بعد از کافر شدن به قعر زمین فرستاد (مکارم شیرازی، ج ۱۶، ۱۳۷۱: ۱۵۲).

۲) دنیا گرایی و پیروی از هوای نفس

مهارت، علم و تخصص وقتی محل رجوع مردم قرار گرفت و شهرتی به همراه آورد مراقبت بیشتری را می‌طلبد چرا که از یک طرف دنیا را به همراه آورده و انسان را به حرص و دنیا طلبی می‌کشاند و از طرفی ممکن است موجب سوء استفاده صاحبان قدرت قرار گیرد: «وَأَثَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵) وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ، و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد! و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می‌بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد» (اعراف: ۱۷۶-۱۷۵).

این آیه اشاره به داستان بلعم باعورا است که در عصر موسی زندگی می‌کرد و نخست در صف مؤمنان بوده و حامل آیات و علوم الهی گشته، و از دانشمندان و علمای مشهور بنی اسرائیل محسوب می‌شد، و حتی موسی از وجود او به عنوان یک مبلغ نیرومند استفاده می‌کرد، و کارش در این راه آن قدر بالا گرفت که دعایش در پیشگاه خدا به اجابت می‌رسید سپس دنیا پرستی و پیروی از هوای نفس چنان به سقوطش کشانید که در صف گمراهان و پیروان شیطان قرار گرفت. از این مسیر گام بیرون نهاده، به همین جهت شیطان به وسوسه او پرداخته، و عاقبت کارش به گمراهی و بدبختی کشیده شده است (مکارم شیرازی، ج ۷، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۲).

یک رهبر الهی باید بی اعتنا به مال و مادیات باشد، و به آنچه خدا در اختیارش گذارده قناعت کند، لذا می‌بینیم ذوالقرنین بر خلاف روش سلاطین که حرص و ولع عجیب به اندوختن اموال از هر جا و هر کس دارند هنگامی که پیشنهاد اموالی به او شد نپذیرفت و گفت: «مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ، آنچه پروردگارم در اختیار من نهاده بهتر است» (کهف: ۹۵).

در قرآن مجید کرارا در داستان انبیاء می‌خوانیم که آنها یکی از اساسی‌ترین سخنهایشان این بود که ما در برابر دعوت خود هرگز اجر و پاداش و مالی از شما مطالبه نمی‌کنیم. در یازده مورد از قرآن مجید این مطلب درباره پیامبر اسلام و یا انبیاء پیشین بچشم می‌خورد، گاهی با این جمله ضمیمه است که «پاداش ما تنها بر خدا است» (هود: ۲۹) و گاهی بدون آن، و گاه دوستی اهل بیت خود را که خود پایه‌ای برای رهبری آینده بوده است بعنوان پاداش ذکر کرده‌اند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۲۳). (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ۱۳۷۱: ۵۴۱-۵۴۰)

۳) استفاده غیر صحیح از علم و تخصص

یکی از خطرات حکمرانی این است که متخصصان حکومت، مهارت و تخصص خود را در اختیار جباران عصر خود و در غیر مسیر صحیح خود قرار دهند.

یکی از نقاط انحراف بلعم باعورا این بود که در اثر هوا پرستی و تمایل به زرق و برق جهان ماده و «اخلاص الی الارض» همه سرمایه‌های فکری خود را در اختیار طاغوت زمانش یعنی فرعون گذاشت، و آنها نیز برای تحمیق مردم عوام از وجود او حد اکثر استفاده را کردند (مکارم شیرازی، ج ۷، ۱۳۷۱: ۱۶).

در زمان حضرت سلیمان نیز که به فرمان الهی فرشتگانی مأمور آموزش مهارت سحر به برخی مردم شدند تا بوسیله آن، سحر ساحران را که باعث اذیت مردم می‌شدند باطل نمایند آن را در غیر مسیر خودش بکار می‌انداختند: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ، از آن دو فرشته مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند» (بقره: ۱۰۲) و باعث فساد در زمین شدند.

۴) ادعای بیش از حد علم و تخصص خود

آسیب دیگری که برای تخصص در سیستم حکمرانی مطرح می‌شود این است که صاحب تخصص و مهارت که در یک رشته و یا چند رشته واقعاً مشهور است و محل رجوع مردم قرار می‌گیرد به هر دلیلی ادعای علم و تخصص در سایر فنون و رشته‌های دیگر را داشته باشد و موجب انحراف و معضلات متعددی گردد در قرآن روی این مسأله تأکید صریحی شده که: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن» (اسراء: ۳۶). این آیه از پیروی و متابعت هر چیزی که بدان علم و یقین نداریم نهی می‌کند، و چون مطلق و بدون قید و شرط است پیروی اعتقاد غیر علمی و همچنین عمل غیر علمی را شامل گشته و معنایش چنین می‌شود: به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو، و چیزی را که نمی‌دانی مگو، و کاری را که علم بدان نداری مکن، زیرا همه اینها پیروی از غیر علم است، پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند (طباطبایی، ج ۱۳، ۱۳۷۴: ۱۲۶).

در داستان حضرت سلیمان همانطور که اشاره شد اجنه در تسخیر او بودند: «وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ، و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند» (سبأ: ۱۲) و هر کدام دارای مهارت و تخصص بوده و برایش کاری انجام می‌دادند: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ، آنها هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود» (سبأ: ۱۳). «و الشَّيَاطِينُ كُلٌّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ، نیز شیطان‌ها (ی اجنه) را از هر بنا و غواصی (برای احداث بنا و استخراج جواهر از دریا مسخر او کردیم» (ص: ۳۷). ولی از قرار معلوم این اجنه در برابر مردم ادعای آگاهی از عالم غیب نیز داشتند و بسیاری از مردم نیز تابع و مرید آنان شده بودند که خداوند با ترفندی آنان را رسوا نمود: «فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَيْهِ الْمَوْتُ مَا دَلَّهِمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ، پس چون مرگ را بر او (در حالی که تکیه بر عصا زده بود) حتم کردیم (و او را میراندیم) جز جنبنده خاکی (موریانه) که عصای او را می‌خورد آنها را (اجنه و خاندان او را) از مرگش آگاه نساخت، پس چون فرو افتاد جنیان (که مدعی علم غیب بودند) فهمیدند که اگر غیب می‌دانستند در آن عذاب خوارکننده (توقف در محضر سلطان با کیفیت خاص در مدتی مدید) درنگ نمی‌کردند» (سبأ: ۱۴). بنابراین طبق ای آیه بر همه روشن شد که گروه جن از غیب آگاه نیستند، و انسان‌های نادان و بیخبری که آنها را پرستش می‌کردند سخت در اشتباه و خطا بودند. (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۱: ۴۷).

نتیجه گیری

در قرآن کریم که دستور زندگی و راهنمای همه بندگان الهی است تمام مسائلی که برای هدایت بشر لازم بوده آمده است. یکی از لوازم جامعه بشری برای هدایت و سعادت، تشکیل حکومت و دارا بودن حاکم الهی، عادل و دارای علم و تخصص میباشد. بنابراین به اصطلاح امروزی قرآن برای حکمرانی خوب دستورات بسیار مهم و تخصصی را صادر فرمودند و الزاماتی را نیز برشمرده است که یکی از لوازم حکمرانی خوب را داشتن علم و تخصص بیان نموده چنانچه از میان ۲۵ پیامبر الهی که نامشان در قرآن ذکر شده است به چهار پیامبر (داود، سلیمان، یوسف و ذوالقرنین) اشاره خاصی دارد که اولاً صاحب حکومت و ثانیاً صاحب تخصص و علم خاصی بودند. طبق آیات الهی این پیامبران در مسیر اداره حکومت خود از تخصص‌هایی که خداوند به آنها عنایت فرموده بود به نحو احسن استفاده نموده و حکمرانی خوب و مطلوبی را رقم زدند که می‌تواند سرلوحه همه حکمرانان در مسیر حکمرانی خوب قرار گیرد که به صورت متخصر به آن اشاره میکنیم:

۱) علم و تخصص از فضل و لطف خداوند است و کسانی که از این نعمت برخوردار می‌شوند وظایف سنگینی بر عهده دارند که مهمترین آن خدمت به دین خدا و بندگان اوست.

۲) علم و تخصص در حکمرانی خوب دارای الزاماتی است که رعایت آنها می‌تواند به حکومت جهت مثبت داده و در ارتقای سطح زندگی و سعادت مردم کمک کند.

۳) همه تخصص‌ها در یک سطح نبوده و شاخص‌هایی وجود دارد که می‌تواند یک تخصص را برتر نماید تا حکمرانی در حد اعلا و مطلوبی رقم بخورد و قرآن روی این شاخص‌های برتر ساز که هم دارای بعد اخلاقی و هم بعد تخصصی است تأکید ویژه‌ای نموده است.

۴) برای کاربرد علم و تخصص در حکمرانی خوب باید زمینه لازم فراهم شود و یکی از بهترین زمینه‌ها وجود یک حکومت صالح می‌باشد.

۵) استفاده از علم و تخصص در حکمرانی دچار آسیب‌هایی مانند خودبینی و غرور، دنیاگرایی و هوای نفس و استفاده غیر صحیح از آن و ادعای بیش از حد است که باید آنها را شناسایی نمود و در صدد برطرف کردن و کنترل آن برآمد و گرنه آن علم و تخصص نه تنها در خدمت دین خدا و بشر قرار نمیگیرد باعث انحراف شدید و وارد آمدن خسارتهای جبران ناپذیری می‌گردد.

منابع:

- ۱) ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۷). ترجمه من لا یحضره الفقیه، چاپ اول، (ترجمه: غفاری، علی اکبر و غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر). قم: صدوق
- ۲) ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). کمال الدین، چاپ اول، (ترجمه: منصور پهلوان). قم: دارالحديث.
- ۳) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تحف العقول، چاپ اول، (ترجمه: جنتی). تهران: انتشارات مؤسسه امیرکبیر.
- ۴) آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، چاپ چهارم، (محقق/مصحح: جلال الدین حسینی ارموی محدث). تهران.
- ۵) اکبری، سارا، فیله کش، مریم، تقوی، سید محمد علی (۱۳۹۵)، تأملی در باب حکمرانی خوب برای تحقق زندگی مطلوب در سیره اما علی (علیه السلام)، دوفصلنامه معرف سیاسی، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۹-۱۱۴
- ۶) بشارتی، محمد رضا، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۳). روش تحقیق و نگارش پایان نامه. -تهران: انتشارات سخنوران
- ۷) پاینده، ابو القاسم. (۱۳۸۳). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله))، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش
- ۸) ترجمه قرآن، آیت الله مشکینی
- ۹) ترجمه قرآن، آیت الله مکارم شیرازی
- ۱۰) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره) در بیان و بنان حضرت آیه الله جوادی آملی (گردآوری کننده: محمد امین شاهجویی)، چاپ هشتم، قم: مرکز نشر اسراء
- ۱۱) حسینی تاش، سید علی، واثق، قادر علی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۷-۲۸
- ۱۲) حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیاء، چاپ اول، (ترجمه احمد آرام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۳) حمیدی زاده، محمد رضا (۱۳۸۸)، شیوه ارتقا و توسعه ارزشهای منابع انسانی بر پایه توسعه مهارت‌های محوری، فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۵۸-۱۲۷
- ۱۴) درخشه، جلال، شجاعی، جبار (۱۳۹۴)، شاخصهای حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی علیه السلام، دوفصلنامه پژوهشهای علم و دین، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۳۶-۱۷
- ۱۵) دشتی، محمد (۱۳۸۲)، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپخانه الهادی
- ۱۶) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (مترجم: خسروی، غلامرضا)، چاپ دوم، تهران: مرتضوی
- ۱۷) رضایی، علیرضا (۱۳۸۹)، شاخصه‌های توسعه از منظر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی (ره)، فصلنامه معرفت سیاسی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، ۱۲۵ - ۱۴۸
- ۱۸) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: موسوی، محمد باقر)، ۲۰ جلد، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی

- ۱۹) طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱)، الإحتجاج (مترجم: غفاری مازندرانی، احمد)، چاپ اول، تهران: مرتضوی
 - ۲۰) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران
 - ۲۱) طبرسی، فضل بن حسن، بیتا، ترجمه تفسیر مجمع البیان، چاپ اول، ۲۷ جلد، تهران: فراهانی
 - ۲۲) طبیبی، سید جمال الدین؛ ملکی، محمد رضا؛ دلگشایی، بهرام (۱۳۹۲). تدوین پایان نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس
 - ۲۳) عباس کشاورز شکری، عباس، شجاعی، جبار (۱۳۹۵)، تبلور حکمرانی خوب در اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی (رحمه الله علیه)، دو فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۵۲-۲۹
 - ۲۴) عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین (۱۳۹۵)، بررسی مولفههای حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۳۷-۱۱۸
 - ۲۵) قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ۱۰ جلد، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول
 - ۲۶) قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲)، قرآن منشور زندگی، تهران: انتشارات احسان
 - ۲۷) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). أصول الکافی، چاپ سوم، (ترجمه محمد باقر کمره‌ای)، قم: اسوه
 - ۲۸) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، ۱۰ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة چاپ نهم
 - ۲۹) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة
- a. منابع اینترنتی:
- ۳۰) (موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام <http://old.isin.ir>)
 - ۳۱) <http://iqna.ir/fa/news> (۱۳۹۴/۱۰/۱۶). خبرگزاری بین المملی قرآن، هدهد سخنگو در قرآن/ کشف سر نخهایی از ارتباطات کلامی پرندگان، قرآن و علوم زیستی، ۱۳۹۴/۱۰/۱۶